بسمه تعالی

علم دینی از نگاهی دیگر

مصاحبه با خبر گزاری نسیم

**حمیدرضا آیت اللهی**

موضوع علم دینی و چگونگی و چیستی آن مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر و در پی تاکید مقام معظم رهبری بر تحول علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برخی معتقدند علم دینی امری تحقق ناپذیر است و برخی دیگر معتقدند علم دینی در حال تحقق و شکل گیری است. برای بررسی بیشتر ابعاد مختلف این مسئله خبرنگار «نسیم» به سراغ حمیدرضا آیت اللهی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رفته تا در گفتگویی تفصیلی به بررسی ابعاد مختلف این مسئله بپردازد. آنچه از نظر می گذرانید مشروح این گفتگو است.

نسیم: علم دینی چیست و اساسا چرا جامعه ایران درگیر چنین امری شده است؟

**آیت اللهی:** مسئله را به 2 طریق می توان مطرح کرد؛ یکی به این صورت که چرا مسئله علم دینی در مملکت ما مطرح شد؟ به نظر من دلیل آن این است که نارسایی‌هایی که در علم غربی در جامعه ما بود، دیده می‌شد؛ این نارسایی‌ها نارسایی‌های ارزشی بود، القاء یکسری ارزش‌های غربی را می‌کرد که با ارزش‌های دینی ما ناسازگار بود.

ممکن است مسئله فوق الذکر سبب عنوان این سوال شود که چرا باید تابع ارزش‌های غربی باشیم؟ می‌توانیم در خصوص علم به گونه‌ای فکر کنیم که این چنین مسائل ارزشی در آن نباشد البته مخالفین نیز اذعان داشتند که علم فاقد ارزش است و ارزش‌مدار نیست که بخواهد دینی یا غیردینی باشد.

از آن طرف شما با یک واقعیت‌هایی در تقابل نوع نگاه غربی با برخی از شرایط فرهنگی جامعه می‌شوید و از طرف دیگر با این مواجه می‌شوید که آیا علم می‌تواند این گونه باشد یا خیر؛ وقتی این مسئله مطرح می‌شود بحث بر این است که آیا علم بدون پیش‌داوری است یا پیش‌داوری هم دارد؟

این خود در فلسفه علم بحث می‌شود که علم یکسری پیش‌داوری‌ها دارد و می‌تواند پیش‌فرض‌های نظریه‌ای بر آن حاکم باشد؛ در نتیجه موضوعی تحت عنوان پیش فرض‌ها در علم مطرح شد؛ این پیش فرض‌های مطرح شده حتماً باید دین باشد؟ خیر، می‌تواند فرهنگ‌های مختلف نیز باشد، چهارچوب‌های فکری مختلف دیگری نیز باشد و حتی می‌تواند بسیاری از مسائل دیگر نیز در آن دخالت داشته باشد.

آیا علم می‌تواند متأثر از یک فرهنگ، یک طرز تفکر یا یک موضوع خاص باشد؟

بنابراین شما می‌توانید هم با علم دینی، هم علم ایرانی و هم علم مربوط به یک فرهنگ خاص صحبت کنید؛ یک بحث نظری نسبت به این موضوع می‌تواند به وجود بیاید؛ این بحث نظری می‌تواند این موضوع را مطرح کند که آیا علم می‌تواند متأثر از یک فرهنگ، یک طرز تفکر یا یک موضوع خاص باشد و در پارادایم آن قالب غربی نباشد؟ این مسئله یک بحث علمی می شود.

افرادی برای این که نشان دهند طرز تفکر اسلامی نیز حائز اهمیت است، شروع کردند به طرح موضوعی تحت این عنوان که علم با تفکر اسلامی چگونه می‌تواند باشد؟ متأسفانه تعداد بسیاری از آن شعار شد؛ به جای اینکه بحث علمی باشد، این که تعیین شود علم چطور می تواند دینی شود و چگونه می‌توانیم این اقدام را انجام دهیم، بحث شعاری شد؛ بحث کوباندن علم غربی و یا اینکه علم اسلامی باید اینگونه باشد، شد.

این موضوع سبب شد این مسئله در روال خود قرار نگیرد؛ در نتیجه شما می‌بینید به طور مرتب مقالات و کتاب‌های مختلف نوشته می‌شود و به جای این که از چگونگی علم دینی و مکانیزم به کار بردن علم دینی صحبت شود، در مذمت علم غربی و تشویق علم دینی صحبت می‌شود و این امر به صورت خطابی است؛ از این جهت در وادی بحث‌های شعاری قرار می‌گیرد.

در بحث‌های شعاری که قرار گرفت نتیجه آن می‌شود که 20 سال فقط حرف می‌زنیم که فلان شخص گفت علم دینی باید این گونه باشد، می‌گوییم شما الآن یک کتاب علمی و فیزیک درست کنید که دارای این خصوصیت باشد؛ می‌گوییم در زمینه جامعه شناسی و روانشناسی بنویسید که دارای این خصوصیت باشد.

متأسفانه برخی عجله کردند و می‌خواستند زود علم را دینی کنند

تلاشی در این زمینه صورت گرفت ولیکن دچار یک سری آفت‌ها شد به عبارت دیگر به جای این که خوب تجزیه و تحلیل کنیم که چگونه می‌توان چنین کاری انجام داد، از سوی برخی عجله صورت گرفت و می‌خواستند زود علم را دینی کنند؛ یک علم را انتخاب می کردند و تعدادی روایت و آیه به آن وارد می کردند و بعد سخنان غربی‌ها را بیان می کردند.

برخی در تلاش برای تحقق علم دینی به اشتباه به تقدیس علم غربی پرداختند

آیه و روایت را می‌آوردند که این مسائل در آیات و روایات نیز عنوان شده است؛ به این شیوه نه تنها علم دینی نمی‌شد بلکه علم غربی تقدس می‌یافت؛ علم غربی که تا کنون بد بود حال به واسطه آیات و روایات مقدس هم شد، در حالی که سخن همان سخنان غربی ها است؛ این یک معضلی در جامعه ما است.

متأسفانه افرادی که در این زمینه‌ها همواره به صحبت کردن مشغول هستند ما را گرفتار این معضلات می کنند؛ سئوال بعدی این است که چه کسانی متوجه می‌شود؟ اگر کسی بیاید در مقابل این افراد بایستد در ابتدا همه فحش می‌دهند و می‌گویند از علم غربی طرفداری می کند.

**نسیم:** مکانیزم و روند علمی در مسئله تحقق علم دینی اتفاق نمی افتد؟

**آیت اللهی:** دقیقا؛ برخی اندیشمندان همانند دکتر خسرو باقری مکانیزم علمی تهیه کردند؛ وی تلاش داشت نظریه خود را مدون کند و جالب این است در زمینه روانشناسی به کار و تحقیق نیز مشغول شد؛ کتابی تحت عنوان علم دینی نگاشت و ساختار نوع نگاه خود را در علم دینی بیان کرد و سعی کرد این کار را اجرایی کند.

یک فرد فهمیده باید بتواند این چنین اقداماتی انجام دهد، نه این که مرتب مسائل را مطرح کنند به خصوص افرادی که نه فلسفه علم و نه خود علم را زیاد می‌دانند، تنها اقدام او این است که به هر کسی که در این زمینه صحبتی می‌کند، تهمت بزند؛ در این فضا هیچ گاه سخن علمی نمی‌تواند بروز کند چرا که بستر مناسب نیست.

**نسیم:** این مکانیزم در بستر زمانی طولانی اتفاق می افتد؟

**آیت اللهی:** من می‌گویم بله، ما در جامعه خود می‌توانیم علم، روانشناسی دینی، جامعه شناسی با نگاه اسلامی و... داشته باشیم؛ من به جامعه شناسی اسلامی اعتقاد ندارم بلکه منظور جامعه شناسی با نگاه اسلامی، با نگاه ایرانی است.

من در یک کشور آفریقایی یا هندی این مسئله را مطرح می کنم، آیا می‌توانم از ریاضیات هندی صحبت کنم؟ این بحث منطقی می‌طلبد و بر اساس آن بحث منطقی، این موضوع را مطرح می‌کند که آیا می شود چنین کاری کرد یا خیر؛ به دو صورت می توان این مسئله را انجام داد.

به طور مثال من می گویم می توان فیزیک ایرانی، فیزیک اسلامی داشت؛ این به معنای این نیست که اکنون این فیزیک را داریم، بلکه می‌توانیم داشته باشیم به شرط اینکه افرادی به پروراندن ایده‌ها مبادرت ورزند و زمانی که به حدی از رشد رسید، مطرح شود؛ تا زمانی که پادایمی به نام علم اسلامی شکل ‌گیرد.

برخی گمان می‌کنند که علم دینی یعنی یک فرد از پیش، چهارچوب‌های دینی مشخص کند و بگوید علم دینی باید این گونه باشد، بعد از مشخص کردن چارچوب ها علم اسلامی را بسازد؛ کار بسیار طاقت‌فرسایی است و کسی هنر این کار را ندارد.

اگر علم اسلامی صورت‌های مختلفی داشته باشد، علم ایرانی هم می تواند صورت‌های مختلف داشته باشد

آن چه من از علم اسلامی و علم ایرانی می‌فهمم این است که عالمان ایرانی-اسلامی با نگرش اسلامی ایده‌های اسلامی را مطرح کنند؛ جالب این است که من از مطرح کردن همه نوع آن ابایی ندارم؛ چراکه اگر علم اسلامی صورت‌های مختلفی داشته باشد، علم ایرانی هم می تواند صورت‌های مختلف داشته باشد ولی کل این مجموعه یک علم اسلامی می‌شود.

چطور جامعه شناسی فرانسوی دارید، ما هم می‌خواهیم جامعه شناسی ایرانی داشته باشیم

سفیر استرالیا به پژوهشگاه آمده بود و پرسید علوم انسانی ایرانی- اسلامی به چه معنا است؟ به او گفتم جامعه شناسی فرانسوی و جامعه شناسی آمریکای یکسان است؟ گفت خیر؛ به او گفتم چطور جامعه شناسی فرانسوی دارید، من هم می‌خواهم جامعه شناسی ایرانی داشته باشم.

فلسفله تحلیلی انگلیسی با فلسفه قاره‌ای اروپایی کاملاً متمایز از هم هستند؛ کسی که فلسفه قاره ای را ایجاد کرده است از ابتدا بیان کرد که این فلسفه باید این گونه باشد تا نهایت جریان فلسفی شود؛ مجموعه نگاه فلسفی افراد فلسفه قاره ای را ایجاد کرده است؛ متأسفانه در جامعه ما کسی نگاه این چنینی ندارد و این معضل بزرگی است.

علوم انسانی اسلامی یعنی چه؟

علوم انسانی اسلامی یعنی چه؟ علوم انسانی با رویکرد اسلامی یعنی تعدادی از عالمان مسلمان مقاله و کتاب بنویسند و بعد می توانیم مجموعه این نگاه ها را نگاه اسلامی نامید؛ این مسئله در نگاه ایرانی، فرانسوی، آمریکایی و... نیز وجود دارد و مطرح می شود.

نگاه آمریکایی در رشته‌های مختلف به شدت پراگماتیسمی است؛ آن ها به گونه ایی نگاه می‌کنند که در عمل از آن بهره ببرند در صورتی که نگاه اروپایی این گونه نیست و اروپائی ها بسیار عمیق تر نگاه می‌کنند و زیاد به کاربرد توجه ندارند؛ این مجموعه طرز تفکر است و دال بر این نیست که در آمریکا هیچ کسی آلمانی نمی‌اندیشد و در آلمان هیچ کسی پراگماتیسمی نمی‌اندیشد.

افراد باید بتوانند تک تک ایده‌های اسلامی را در مطالب مختلف علوم مطرح کنند؛ ایده‌هایی که جزم بی جهت نباشد، بلکه ایده‌ای باشد که نوآوری داشته باشد تا دیگران بفهمند از چه جهتی اسلامی است.

**نسیم:** این همان کرسی های نظریه پردازی است؟

نظریه زمانی متولد می شود که مقبول و یا حتی مغضوب جامعه علمی واقع شود

**آیت اللهی:** نه، اصلا؛ کرسی‌های نظریه‌پردازی تنها کرسی نیست؛ کرسی نظریه‌پردازی اگر بخواهد به صورت فرمالیستی باشد، دو ناقد باشد، باید توجه داشت که هیچ نظریه‌ای اینگونه متولد نشده است؛ نظریه زمانی متولد می شود که مقبول جامعه علمی واقع شود و حتی می توان گفت مغضوب واقع شود یعنی نظریه وقتی نظریه است که چهارتا فحش به آن بدهند و نسبت به آن واکنش نشان دهند؛ لذا به کرسی‌های نظریه پردازی با سیستم فرمالیستی اعتقاد ندارم.

من به شخصه رسالت خودم را برای علم دینی این دیدم که تمام کسانی که اندیشه‌ نوآوری خاصی ارائه کردند و مقاله علمی نوشتند، را جمع آوری کنم تا در یک تداول قرار دهم؛ لذا به ساختن پرتال جامع علوم انسانی دست زدم؛ پرتال جامعه علوم انسانی تمام دیدگاه‌های مختلف را در یک موضوع خاص جمع کرد، این خود نوعی نگاه است؛ این نگاه باید در جامعه جریان پیدا کند و هنگامی که جریان پیدا کرد به اینجا می‌رسد که ما یک اندیشه صدرایی داریم.

باید پدیدارهایی که از علم اسلامی داریم، بروز دهیم

لذا اصطلاحاً این نوع نگاه را پدیدار شناسانه می نامند؛ به این معنا که پدیدارهایی که از علم اسلامی داریم، را بروز دهیم؛ از مجموع این پدیدارها به نتیجه‌ای به نام علم اسلامی دست یابیم؛ گاهی این امر موفق نمی‌شود و گاهی موفق می‌شود؛ به طور مثال شاید جامعه شناسی هلندی نداشته باشید و هلند نتوانسته یک جامعه شناسی برای خود ایجاد کند یا آموزش زبان سوئدی دارید ولی ایتالیایی آن را ندارید، این مسئله به تمام اندوخته علمی که دانشمندان به وجود آوردند، باز می گردد.

در مرزهای دانش نمی توان فرمایشی علم تولید کرد

در مرزهای دانش نمی توان فرمایشی علم تولید کرد؛ بسیاری در این مملکت دنبال این هستند که فرمایشی علم تولید کنند؛ در واقع همه علم می سازند، برای خود فکر کردند که از ایده‌های اسلامی یا از جاهای دیگر بهره بگیرند و با هم مطابقت دهند تا بتوانند از آن استفاده کنند.

سئوال این است که اکنون علم کجای نظریه علمی مطرح است؟ اگر بگویند کرسی نظریه پردازی راه بیندازید، من می‌گویم به جای کرسی نظریه پردازی، افرادی که نظریه دارند نظریه‌های خود را به همه اطلاع دهند تا در جوامع علمی مورد توجه قرار گیرند؛ من افرادی را می‌شناسم که در کرسی نظریه پردازی نظریه خود را اعلام کرده است ولیکن بعد از گذشت 5 سال از آن کرسی کسی از نظریه او استفاده نکرده است.

نظریه باید مرتب مورد نقد، تحلیل، بررسی، استفاده و نگاه قرار گیرد

نظریه‌ای که از آن استفاده نشود به درد نمی‌خورد؛ نظریه باید نظریه‌ای باشد که مرتب در تداول قرار گیرد، مرتب مورد نقد، تحلیل، بررسی، استفاده و نگاه قرار گیرد؛ حتی اگر یک نظریه غلطی باشد ولیکن چنین نظریه ایی نظریه می‌شود؛ زمانی که سخنان فروید در جریان قرار می‌گیرد نظریه فرویدی می‌شود.

اگر بخواهیم نظریات اسلامی بروز پیدا کند باید مجال نشر فوری و زیاد اندیشه اندیشمندان مسلمان را فراهم کنیم

اگر ما می‌خواهیم کاری کنیم که نظریات اسلامی در رشته‌های مختلف بروز پیدا کند باید مجال نشر فوری و زیاد اندیشه‌های اندیشمندان مسلمان را فراهم کنیم تا زمانی که دانشجو می‌خواهد نگاه کند، بداند که افراد در این موضوع چه چیزهایی گفته‌اند و بعد آن بتواند یک قدم دیگری بردارد.

این که بر فرض من یک نظریه دادم و کسی از آن استفاده نکرد، فایده‌ای ندارد؛ به طور مثال اگر شما یکسری طلا بگیرید و در خانه‌ بگذارید هیچ فایده ای ندارد، طلا وقتی ارزش دارد که بیشترین گردش را در اقتصاد داشته باشد؛ می‌گویند وقتی اقتصاد ارزش دارد که بیشترین پول در جریان باشد.

حتی افرادی که علیه علم دینی اظهار نظر می کنند بخشی از علم اسلامی هستند چرا که آنها جریان علم اسلامی را زنده نگه می‌دارند؛ این علم اسلامی می‌شود و علمی است که در آن نقدها وجود دارد همان گونه که فلسفه قاره‌ای فلسفه‌ای است که در آن یک سری افراد آن را تخریب کردند؛ تلقی ما از علم باید این تلقی باشد.

**نسیم:** پس می توان نتیجه گرفت که علم اسلامی به معنای اسلامیزه کردن علوم نیست؟

**آیت اللهی:** باید یکسری افراد امکان پیدا کنند تا بتوانند در این وادی‌ها هم نظریه‌پردازی کنند، هم در یک وادی هم و غم پیدا کند؛ اگر این کار را نکنیم جامعه ما 20 سال دیگر هم فقط حرف می‌زند و به جایی نمی‌رسد؛ نباید این گونه باشد که فردی متولی علم اسلامی باشد و بگوید این علم اسلامی است و فلان علم اسلامی نیست؛ می‌تواند نقد کند که نگاه فرد به علم اسلامی چه اشکالاتی دارد.

می توان از ابتدای سخن حرفی از خدا و... زده نشود ولیکن علم اسلامی باشد و بالعکس؛ این منوط به این نیست که از پیش، به صورتی خاص یکسری افراد بگویند علم باید این گونه باشد؛ برخی دستور می‌دهند و می‌گویند جامعه‌شناس‌ها باید این گونه باشند؛ نمی توان به فرد جامعه شناس دستور داد به چه شیوه ای فکر کند.

من نظریه خاصی در خصوص علم دارم هر چند هنوز نتوانستم آن را بپرورانم؛ من از توماس کوهن استفاده کردم؛ توماس کوهن قائل است به این که وقتی علمی بروز می کند، بعد از مدتی آن علم منسوخ می‌شود و علم دیگری می‌آید، با بروز علم جدید علم قبل را نمی‌تواند درک کند؛ چرا که شرایط متفاوت است.

توماس کوهن عبارتی به نام انقلاب‌های علمی به کار می برد؛ انقلاب‌های علمی به این معنا است که در شرایطی که یک نظریه علمی جا افتاده، بعد از گذشت مدت زمانی با مشکلاتی مواجه می‌شود؛ نیمی از دانشمندان اعتراض می‌کنند، اعتراض ها سرکوب می شود؛ زمانی که تعداد این اعتراض‌ها افزایش یابد شورش علمی به وجود می آید.

اگر قدرت اجتماعی داشته باشند می‌توانند تمام آن افرادی که با آن ها مخالفت می‌کردند، را از میدان بیرون کنند و شرایط جدید ایجاد سازند؛ انقلاب یعنی یک حکومت می‌رود و حکومت جدید می‌آید؛ شما در پارادایم خود نمی توانید مقایسه انجام دهید و بیان کنید پارادایم من بهتر است چرا که شرایط خاص شما است.

توماس کوهن می‌گوید این طرز تفکر در تاریخ اتفاق افتاده است و به ترتیب پارادایم ها پشت سر هم می آیند، انقلاب‌های علمی به ترتیب اتفاق می‌افتند؛ من می‌گویم چرا این پارادایم‌ها باید تاریخی باشد؟ نمی تواند جغرافیایی باشد؟ یک پارادایم فرانسوی وجود دارد، این پاردایم در جامعه شناسی به معنای پارادایم اروپایی است؛ من می‌توانم در کشور دیگر همانند هند یا ایران این پارادایم را زیر سئوال ببرم.

زیر سوال بردن به معنای اعتراض است؛ کسانی که همراه آن طرز تفکر هستند با حرف من مخالفت می‌کنند و اعتراض من را سرکوب می‌کنند؛ اگر این اعتراض‌ها به اندازه‌ای برسد که بتوانند یک شورشی علیه آن علم شود پارادایم جدید به وجود می‌آید؛ این پارادیم جدید به عنوان یک پارادایم جدید ایرانی در جامعه شناسی بیان می شود؛ این فرآیندی اجتماعی و فرایند علمی منطقی است.

**نسیم:** به عبارتی دیگر علم را در بستر جامعه ایجاد می کنید؟

**آیت اللهی:** در فلسفه علمی به نام فلسفه اسلامی داریم؛ فرض می‌کنیم در جامعه شناسی نداشته باشیم، این اصطلاحاً انقلاب‌های علمی است که به صورت تاریخی و مداوم اتفاق نیفتاده است و در یک زمان در مناطق مختلف جغرافیایی اتفاق می‌افتد؛ چه زمانی می توان چنین چیزی را به وجود آورد؟ زمانی که قدرت مقابله داشته باشیم؛ وقتی بتوانیم انقلاب کنیم.

وقتی به انقلاب رسید آن گاه شما یک پارادایم به نام جامعه شناسی اسلامی، مدیریت اسلامی و... دارید؛ یکسری افراد می‌خواهند انقلاب و مبارزه کنند، در کنار آنها اشخاصی هستند که به آنها کمک می‌کنند به عبارت دیگر به آن ها اسلحه، پول و... می‌رسانند و باعث رشد انقلاب می‌شود.

باید سیستم نشر دانش خود را در جامعه با شتاب شروع کنم

در جامعه‌ ما باید افرادی وجود داشته باشند که افراد دارای اداعاهای نو را تغذیه کنند و سبب بروز حرف ها و ایده های جدید شوند؛ این امر به این معنا است که سیستم نشر دانش خود در جامعه با شتاب شروع کنم، نشر دانش خود را در پارادایم‌های دیگر جدی کنم.

در حال حاضر علم غربی علم غالب دنیا است

به طور مثال اجازه دهند حرف‌های ما در فرانسه هم گفته شود؛ در حال حاضر علم غربی علم غالب دنیا است؛ در این علم وقتی صحبت و مقاله جدیدی ارائه می شود تمام دنیا از آن با خبر می شوند، در حالی که ما چنین اقدامی را انجام نمی دهیم؛ به این دلیل راه دیگری به غیر از این برای علم اسلامی نیست که افراد باید بتوانند در این زمینه‌ها کار بکنند و اگر این کار را انجام دهند آینده‌ای بسیار درخشان خواهیم داشت.

مقاله‌ای که شاید در طول مدتی که پژوهش شد 20 بار هم دیده نمی‌شد، با پرتال 2400 بار دانلود شد یعنی این جریان پیدا می‌کند؛ معلوم است که اندیشمندان و دانشجویان جدید به طور مرتب این مقالات را استفاده می‌کنند، این جریان راه می افتد و راه دیگری برای این جریان وجود ندارد.

**نسیم:** بنابراین به این که علم دینی وجود دارد یا نه توجه نداشته باشیم و به تولید علم دینی مبادرت ورزیم؛ این امر در بستر زمان شکل لازم را پیدا می کند؛ همان گونه که مثلا در ادبیات مقاومت حرف برای گفتن داریم.

**آیت اللهی:** شما ادبیات مقاومت را از قبل تعریف نکرده بودید و در بستر زمان خودش شکل گرفته است؛ کسانی می‌توانند در خصوص علم مورد نظر به طور مرتب نظر دهند ولیکن این امر در قالب ایجاد و ساخت علم نیست؛ مقالاتی که با این نگرش نوشته می‌شوند می‌تواند به علم اسلامی کمک کند.

**نسیم:** آیا اساتیدی که دغدغه مند به سراغ این مباحث بروند، وجود دارند؟

**آیت اللهی:** من حاضرم طی دو سال در تمام رشته‌ها به شما علم اسلامی آن رشته ارائه دهم؛ تنها کاری که خواهم کرد جمع‌آوری اطلاعات است؛ شما کتاب‌های انگلیسی را ببینید تنها مجموعه مقالات می‌باشد؛ تمام افراد مجموعه مقالات تهیه کردند.

به طور مثال فردی که می خواهد در مورد یک موضوع خاصی بنویسد به سراغ تمام مقالاتی که در آن زمینه باشد، می رود و آن ها را جمع‌آوری می‌کند؛ یک دانشمند اگر حرف جدی داشته باشد یک مقاله بیشتر نمی‌تواند بنویسد؛ اگر حرف دیگری داشته باشد دوباره یک مقاله دیگری می نویسد؛ غربی‌ها این کار را می‌کند و ما در مملکت خود این کار را نمی‌کنیم.

من این کار را در مطالعات زنان انجام دادم و کتاب هم چاپ شده است؛ در این زمینه تقریباً از اوایل انقلاب تا کنون تقریباً 2000 مقاله نوشته شده بود که آنها را چندین بار پالایش کردم تا در نهایت به 20 مقاله رسیدم؛ 20 مقاله در حیطه‌های مختلف مسائل مربوط به زنان و مطالعات زنان از دیدگاه اسلامی را مطرح کردم.

حرف دیگری غیر از مطالعات زنان با نگرش اسلامی عنوان نشده است؛ منظور از نگرش اسلامی نگرش اندیشمندان اسلامی است که به این موضوع از دیدگاه متفاوت نظر کردند؛ این کار را غربی‌ها از جمله راتلج، آکسفورد، کمبریج و ... انجام دادند؛ جالب این است که در خصوص موضوع واحد افراد متفاوتی مطلب و مقاله نوشتند؛ ما چنین سیاست‌هایی را در مملکت خود نداریم؛ سیاست‌ها در مملکت ما این است که حرف کلی و سریع و مداوم به دیگران تهمت زده شود.

**نسیم:** یکی از مسائلی که مطرح است این است که مثلا دانشجویان جامعه شناسی می گویند ما اساسا چرا باید علوم و نظریات غربی را بخوانیم؟

**آیت اللهی:** یعنی ارزش پیش داورانه در مورد این ها قضاوت کردند. باید دقت کنند که منفعل نباشند بلکه فعال باشند و این اصل بحث من است؛ مسائل غربی را به عنوان یک وحی منزل نخوانند؛ من در آن مقاله هفت دلیل برای این کار آوردم؛ به شیوه ایی که من می گویم 4 ماهه نیز نتیجه می دهد و جریان علمی را تقویت می کند.

**نسیم:** پس از مجموع صحبت های شما می توان استنباط کرد که برآورد شما از اوضاع و وضعیت تحقق علم دینی برآورد مثبتی است؟

**آیت اللهی:** از یک جهت مثبت و از جهتی دیگر منفی است.

**نسیم:** تغییرات سیاسی تا چه اندازه موثر است؟

**آیت اللهی:** به شدت موثر است؛ علم در تغییر سیاسی بزرگ نمی‌شود؛ علم آن اصول یافته‌های علمی است؛ اگر افراد بخواهند در تغییر سیاسی حرف بزنند جز شعار، محکوم کردن یکدیگر و...نتیجه ای حاصل نمی شود؛ در تغییرات سیاسی فردی می‌گوید فلان علم اسلامی است و دیگری او را محکوم می‌کند؛ افرادی خود را بالاتر از دیگران قرار می دهند و می‌خواهند در خصوص همه قضاوت کنند.

متأسفانه جریان سیاسی موضوع علم دینی را خراب کرده است و خراب‌تر هم خواهد کرد

وقتی قدرت دست یک نفر باشد، می گوید من تعیین می کنم چه علمی اسلامی است؛ افراد دغدغه مند وجود دارند ولیکن نمی دانند چه علمی اسلامی است؛ مجبور می‌شود یکی را به عنوان اسلامی قبول کند و دیگری را بکوبد؛ متأسفانه جریان سیاسی موضوع علم دینی را خراب کرده است و خراب‌تر هم خواهد کرد.

اگر دولت میخواهد پولی برای این کار خرج کند باید در جایی خرج کند که بگذارد حرف افرادی که حرف علمی و منطقی دارند، به دیگران برسد تا جریان و تداوم و تبادل پیدا کند؛ باید اجازه دهند این حرف علمی به صورت‌های مختلف اعم از کتاب، مقاله و... در بیاید و اگر این کار را انجام دهیم یقین حاصل کنید که بعد از مدتی نتیجه مطلوب حاصل می شود.

**نسیم:** آیا مخالفت با علم دینی منفعتی را به کسی می رساند؟

**آیت اللهی:** منفعت روشنفکری است که برخی می‌خواهند این کار را انجام دهند.

**نسیم:** نباید حمایتی باشد؟

**آیت اللهی:** نباید باشد؛ اتفاقاً من می‌گویم این موضوع حمایتی نیست و اجازه دهند یک شخص مخالفت کند؛ افراد مخالف با علم دینی سیاسی شده، مخالفت می کنند؛ اگر علم را سیاسی‌ نکنیم علم دینی اتفاق می‌افتد؛ علم دینی سیاسی شده به طور یقین به نتیجه نمی‌رسد و مخالفان را افزایش می دهد.

برخی می خواهند به زور پول و... مقاله ای را خوب جلوه دهند که من نیز مخالف چنین فعالیت‌هایی هستم؛ برخی مقاله زحمت می کشند و مقاله زیبا می نویسند و در نهایت با مخالفت مواجه می شوند؛ با بایدها و نبایدها نمی توان علم اسلامی تهیه کرد؛ این موضوع دستوری نیست؛ به این دلیل برخی از امکان ایجاد علم دینی در کشور ما نا امید می‌شوند.

**نسیم:** برخی با ساختار و ذات این علم مشکل دارند. در نهایت حکومت مجبور است از این افراد حمایت کند.

وظیفه حکومت توزیع کردن اندیشه اندیشمندان مسلمان است

**آیت اللهی:** اگر ساختار آن علم سیاسی، قدرتی، حکومتی، دستوری، فرمایشی و... باشد یقیناً باید افرادی مخالفت کنند.خیر؛ من می‌گویم حکومت باید کمک کند تا مقاله، علم و... جدید در اختیار دیگران قرار گیرد حتی اگر حاکم مخالف این نظریه باشد؛ وظیفه حکومت توزیع کردن اندیشه اندیشمندان مسلمان است که نظریه‌پردازی‌هایی را انجام می دهند.

**نسیم:** اتفاقاتی هم چون پایان نامه های سفارشی، ترجمه کتاب ها و... چه موانعی را در روند علمی کشور ایجاد می کند؟

ما اخلاق علمی را نتوانستیم در جامعه جا بیندازیم

**آیت اللهی:** برخی این اتفاقات طبیعی است ولیکن مشکل عمده‌ این است که ما اخلاق علمی را نتوانستیم در جامعه جا بیندازیم؛ گفتن اخلاق علمی یک چیز است؛ باید هم مرامنامه‌های اخلاقی این کار مشخص شود و هم بعد از این نحوه اعمال مرام‌نامه های اخلاقی باید صورت گیرد.

ما در مملکت خود چنین چیزی نداریم؛ البته من مرامنامه نشریات را در آوردم؛ تا زمانی که مرامنامه اخلاقی وجود نداشته باشد و بر اساس مرامنامه اقدامات حقوقی و جزائی مشخص نشود، این اتفاقات ادامه دارد؛ مقابله و مخالفت با یک فرد دردی را درمان نمی کند؛ باید مرامنامه‌های اخلاقی مشخص باشد، افراد به آنها پایبندی داشته باشند، از این مرامنامه ها اطلاع داشته باشند، بر اساس آن مرامنامه ها نظام‌های جزایی مشخص شود تا از این گونه اتفاقات جلوگیری شود.